

برہان الحق

تالیف

نور علی الہی

فهرست مطالب

۱	مقدمه مؤلف
۵	فصل اول - اهل حق کیست؟
۷	فصل دوم - مرام اهل حق چیست؟
۱۷	فصل سوم - ریشهٔ مسلک اهل حق از کجاست؟
۲۰	فصل چهارم - اصول عقاید اهل حق
۲۲	فصل پنجم - ارکان اهل حق
۲۶	فصل ششم - آنچه نزد اهل حق مقدس است
۲۸	فصل هفتم - ذکر مشاهیر اولیاء رستهٔ اهل حق و بعضی از یارانشان
۴۸	فصل هشتم - ذکر بعضی از یاران برجستهٔ سلطان اسحق
۵۳	فصل نهم - شرط ورود به مسلک اهل حق
۶۰	فصل دهم - سرسپردن
۶۵	فصل یازدهم - تشکیل خاندانهای حقیقت
۷۶	فصل دوازدهم - سرسپردن اولاد خاندانها بعد از زمان سلطان
۸۱	فصل سیزدهم - دستور انعقاد جمع اهل حق
۹۳	فصل چهاردهم - تعریف نذر
۱۰۴	فصل پانزدهم - تشریفات صرف نذر:
۱۰۴	مبحث اول - قربان
۱۲۵	مبحث دوم - آنچه در حکم قربان است
۱۲۷	مبحث سوم - آنچه نه قربان است و نه در حکم قربان
۱۲۸	مبحث چهارم - خدمت
۱۲۸	مبحث پنجم و ششم - نیاز و شکرانه

۴۷۶	سؤالات مربوط به فصل سیزدهم - دستور انعقاد جمع اهل حق
۴۸۴	سؤالات مربوط به فصل چهاردهم - تعریف نذر
۵۱۶	سؤالات مربوط به فصل پانزدهم - تشریفات صرف نذر
	سؤالات مربوط به فصل شانزدهم - نذرهاییکه در اثنای نذر قبلی بجمع می‌آورند
۵۳۶	
۵۳۸	سؤالات مربوط به فصل هفدهم - آداب جوزسر
۵۵۸	سؤالات مربوط به فصل هیجدهم - عبادات خصوصی اهل حق:
۵۶۰	سؤالات مبحث اول - نماز اهل حق
۵۸۰	سؤالات مبحث دوم - روزه اهل حق
۵۸۳	سؤالات مبحث سوم - روزه خصوصی اهل حق
۶۰۵	سؤالات مربوط به فصل نوزدهم - راجع بشارب نزدن
۶۱۱	سؤالات مربوط به فصل بیستم - رفع توهمات:
۶۱۳	مبحث اول - مظهر و جامه و دودن
۶۳۲	مبحث دوم - ذات مهمان و ذات بشر
۶۳۴	مبحث سوم و تبصره - علی‌اللهی نبودن اهل حق و علو مقام علی
۶۵۴	سؤال ۳۶۶ (وجه تسمیه کلمات نور علی‌اللهی)
۶۵۷	فهرست اعلام اشخاص و اماکن و اصطلاحات خاص
۶۸۲	فهرست خلاصه سؤالات

۱۲۹	فصل شانزدهم - راجع به نذرهایی که در اثنای نذر قبلی بجمع آورده میشوند
۱۳۲	فصل هفدهم - آداب جوزسر
۱۳۸	فصل هیجدهم - عبادات خصوصی اهل حق:
۱۳۸	مبحث اول - نماز اهل حق
۱۴۲	مبحث دوم - روزه اهل حق
۱۴۴	مبحث سوم - روزه خصوصی اهل حق
۱۶۲	فصل نوزدهم - راجع بشارب نزدن
۱۷۲	فصل بیستم - رفع توهمات:
۱۷۲	مبحث اول - مظهر و جامه و دودن
۱۷۷	مبحث دوم - ذات مهمان و ذات بشر
۱۷۷	مبحث سوم - علی‌اللهی نبودن اهل حق
۱۷۹	تبصره - درباره علو مقام حضرت علی (ع)
۱۸۵	خاتمه - (مربوط به چاپ اول)
۱۸۷	مستندات - (شامل ۴۲ مستند)
۲۴۵	ملحقات - (شامل ۳۶۶ سؤال و جواب)
۲۴۷	سؤالات مربوط به مقدمه برهان الحق
۲۵۹	سؤالات مربوط به فصل اول - اهل حق کیست
۲۶۶	سؤالات مربوط به فصل دوم - مرام اهل حق چیست
۲۹۴	سؤالات مربوط به فصل سوم - ریشه مسلک اهل حق از کجاست
۳۰۵	سؤالات مربوط به فصل چهارم - اصول عقاید اهل حق
۳۶۷	سؤالات مربوط به فصل پنجم - ارکان اهل حق
۳۹۰	سؤالات مربوط به فصل ششم - آنچه نزد اهل حق مقدس است
۳۹۶	سؤالات مربوط به فصل هفتم - ذکر مشاهیر اولیاء رشته اهل حق...
۴۱۵	سؤالات مربوط به فصل هشتم - ذکر بعضی از یاران برجسته دوره سلطان
۴۲۲	سؤالات مربوط به فصل نهم - شرط ورود به مسلک اهل حق
۴۴۱	سؤالات مربوط به فصل دهم - سرسپردن
۴۴۷	سؤالات مربوط به فصل یازدهم - تشکیل خاندانهای حقیقت
	سؤالات مربوط به فصل دوازدهم - سرسپردن اولاد خاندانها بعد از سلطان ۴۶۶

مقاله

بسم الله الرحمن الرحيم - بعد از حمد و ثنای باری تعالی و درود بر انبیاء و مقربین خدا. غرض از تحریر این تسطیر آنکه چون این حقیر نورعلی الهی فرزند مرحوم حاج نعمت الله راجع به مسلك اهل حق در نتیجه مطالعات ممتدّه و تحقیقات ممکنه اطلاعاتی کسب نموده ، روی این اصل بنا بر تمایل جمعی از دوستان با اینکه بضاعت علمی ندارم و اطلاعاتم محدود است لذا بقدر فهم خود شمه ای از رئوس مطالب و حاقّ واقع مسلك نام برده تحت فصولی چند اختصاراً معروض می-دازد . امید است خوانندگان محترم از سهو و خطا و نارسائی انشاء غمض عین فرمایند (هر کس بقدر فهمش فهمیده مدعا را).

اما اینکه عرض شد حاقّ واقع برای احترام از مفهوم مخالف آن است زیرا از آنجائیکه جماعت اهل حق در امور شرعی تابع شریعت اسلام هستند ، غیر از قرآن و سایر کتب مذهبی اسلامی کتاب مدونه دیگری که بمنظور ضبط تاریخ و حفظ سایر دستورات مسلکی بطبع رسیده باشد در دست ندارند تا مصون از اشتباهات باشند؛ همین سبب شده است گروهی ساده لوح اهل حق بعلّه بی اطلاعی از مبانی عقاید خود

یا اشتباه یا اختلاف است. روی این اصل نمی‌توان همگی را بطور متقن مستند قرار داد، این بود بعضی از آنها را که احتمال میرفت تا حدتی مقرون بصحّت باشد مورد استفاده قرار دادیم. ضمناً مکتوم نماند موفقیتیم بجمع آوری و مطالعه آن کلامها دوسبب داشت: یکی آنکه قسمت اعظم آنها موروثی از پدر داشتم، و دیگر آنکه بقیه هم در هر جا و نزد هر کس یافتیم با زحمات زیاد بدست آوردم.

رابعاً - بزرگان اهل حق که ذکر اسامی برخی از آنان ضمن بیان مطالب بعدی خواهد آمد، از هر يك كشف و کرامات عدیده نقل شده است، لیکن چون قصد نگارنده معرفی مسلك اهل حق است نه نفی و اثبات موضوع، بنابراین از داستان نویسی بهر کیفیتى باشد خودداری میشود.

خامساً - از بزرگان اهل حق که در این کتاب یاد میشود، راجع بتاریخ تولد و فوت و محل زندگانی ایشان به روز و ماه و سال، هر چه کوشش شد متأسفانه مدرک صحیحی بدست نیامد لذا فقط اکتفاء بذکر اقربان خواهد شد.

فصل اول

اهل حق کیست؟

باید دانست تا آنجائیکه تاریخ نشان میدهد نوع بشر در هر زمان و مکان بنا باقتضای طبیعت و انطباق آن با مقتضیات وقت احتیاج مبرم بوضع قوانینی دارد، از لحاظ امور زندگی موجب حفظ انتظامات و آسایش جامعه باشد، و از لحاظ امور اخروی سبب معرفت بنفس و عالم ماوراء الطبیعة شود. روی این اصل از بدو پیدایش بشر تا کنون مربیانی بنام انبیاء ظهور فرموده‌اند و هر يك بهر عصری بوده‌اند باقتضای رشد فکری آن عصر احکام خدائی را از طرف خدا انتشار داده‌اند، اسم آنرا کتاب آسمانی گذاشته‌اند.

نظرباینکه هر يك از آن قوانین موضوعه چنانکه فوقاً اشاره شد دارای دوجنبه هستند باین نتیجه میرسد:

جنبه اول که دائرمدار امور زندگی و حافظ انتظامات و آسایش و تهذیب و تربیت اخلاقی جامعه است، مرحله شریعت نامیده میشود. جنبه دوم که ارتباط با معنویات و عالم اخروی و ماوراء الطبیعة دارد، مرحله عرفان و مقام عرفانی نام دارد.

روی این ملاک آنچه از کتب آسمانی دلالت لفظی بر ظاهر امر

نماید آنرا شریعت خوانند و آنچه را دلالت معنوی بر باطن امر و کشف حقایق دارد آنرا عرفان دانند. و بعبارة اُخری عرفان ثمرهٔ دخت شریعت و نتیجهٔ غائی فلسفه و حکمت است. بنابراین اهل حق یکی از سلاسل عرفای شریعت محمدی (ص) میباشد.

فصل دوم

مرا اهل حق چیست ؟

چون در هر موضوعی سیر تکامل بوسیلهٔ طی مراحل هست تا بکمال برسد، در امور مذهبی هم آن مراحل را به شریعت و طریقت و معرفت و حقیقت تقسیم نموده‌اند. لذا اهل حق (۱) بکسی اطلاق میشود مراحل شریعت و طریقت و معرفت را طی نماید تا بمقام حقیقت برسد، بدین ترتیب :

در مرحلهٔ اول که شریعت است : متدین به دین آدم صلی الله بوده و از مسلت ابراهیم خلیل الله و امت محمد رسول الله و مذهب ائمه هدی باشد.

در مرحلهٔ دوّم که طریقت است؛ مؤمن به ولایت علی ولی الله باشد. یعنی باطنی طریق شارع مقدس نبوی و پیوند سلسله مراتب بائمه اطهار و تولّا بولای علی، تحت لوای ولایت بمسلك اهل حق درآید. در مرحلهٔ سوّم که معرفت است، با اطاعت از اولی الامر، مقام معرفت را درك نماید تا پیاپی من عرف نفسه فقد عرف ربه (۲) نائل شود.

۱- مستندات ردیف ۲.

۲- مصباح الشریعه (ص ۴۱ س ۲) - بستان السیاحه (ص ۳۷ س ۳) - بعلاوه مشهور بین عام و خاص است.